

تأثیر جنگ جهانی اول بر تحولات سیاسی نخجوان از قرارداد باتوم تا قرارداد قارص (۱۹۱۸-۱۹۲۱)

عباس پناهی؛* مجید کریمی**

چکیده

قرارداد مهم قارص که در تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۰۰/۱۳ اکتبر ۱۹۲۱ بین دولت‌های وقت ترکیه، شوروی، ارمنستان، آذربایجان و گرجستان به امضا رسید، منجر به واگذاری نخجوان به جمهوری آذربایجان شد. آرامنه تلاش‌های زیادی جهت حفظ نخجوان انجام دادند، اما همه کوشش‌های آنها به دلیل داشتن رقبای نیرومندی چون شوروی و ترکیه ناکام ماند. در نتیجه پیمان قارص نه تنها واحد سیاسی جدیدی را پهنه قفقاز ایجاد کرد، بلکه از منظر ژئوپلیتیک نیز موجب شکل‌گیری جغرافیای سیاسی جدیدی در شمال غربی ایران شد. هدف اصلی پژوهش آن است تا نشان دهد که چگونه توالی رویدادهای سال‌های آغازین جنگ جهانی در شکل‌گیری واحد سیاسی نخجوان تأثیر گذاشته است. روش پژوهش در این تحقیق مبتنی بر روش تاریخی و به شیوه توصیفی - تحلیلی بر پایه یافته‌ها و داده‌های کتابخانه‌ای است. براساس موضوع پژوهش، این پرسش مطرح می‌شود؛ جنگ جهانی اول چه تأثیری بر تحولات سیاسی نخجوان از قرارداد باتوم تا قرارداد قارص داشت؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد منافع مشترک دولت نوپای شوروی و ترکیه باوجود این که هر دو کشور در ضعف سیاسی و نظامی ناشی از پیامدهای جنگ جهانی اول بودند، اما برای نفوذ در قفقاز جنوبی با واگذاری نخجوان به جمهوری آذربایجان زمینه‌های نفوذ بعدی را برای خود فراهم کردند. واژگان کلیدی: ایران، ارمنستان، نخجوان، ترکیه، جمهوری آذربایجان، جنگ جهانی اول، قرارداد قارص.

* نویسنده مسئول: دانشیار تاریخ پژوهشکده گیلان شناسی دانشگاه گیلان. apanahi@guilan.ac.ir

** دانشجوی دکتری رشته ایران شناسی، دانشگاه دولتی ایروان. karimmj@yahoo.com

| تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۱ | DOI:10.29252/HSOW.5.4.51

مقدمه

نخجوان و شرور منطقه‌ای است که اکنون «جمهوری خودمختار نخجوان» تحت سرپرستی جمهوری آذربایجان نامیده می‌شود. دو منطقه‌ای که امروز در یک حوزه سیاسی به نام جمهوری خودمختار نخجوان به شکلی سه‌ضلعی در حاشیه شمال ساحل ارس و هم‌مرز با ایران هم‌جوار است. نخجوان از نظر جغرافیایی از جنوب به ایران و از شمال به ارمنستان محدود است. مرز آن در جنوب شرقی و شرق به تعدادی از کوه‌های آتشفشانی منتهی می‌شود. این منطقه حدود ۵۰۰۰ کیلومتر مربع گسترده‌گی دارد و شمار باشندگان کنونی آن ۴۰۰ هزار نفر برآورد شده است (Hakobyan, 2020: 10). جغرافیای تاریخی نخجوان و به‌طور کلی قفقاز جنوبی، تاریخ مشترکی نیز با ایران در شمال رود ارس دارد. این منطقه زمانی در پهنه اران و گاه شروان قرار داشت و تا سال ۱۸۲۸م/۱۲۴۳ق. بخشی از خانات ایران بود. پس از قرارداد ترکمن‌چای در سال ۱۸۲۸م، این پهنه که ساکنانی از اقوام گوناگون مانند ارمنی، ایرانی، ترک ایرانی و گُرد داشت، از خاک ایران جدا شد. پس از این تاریخ تا جنگ جهانی نخست و انقلاب بلشویکی در مسکو در سال ۱۹۱۷م، نخجوان در اختیار روسیه تزاری بود.

با فقدان تحرک سیاسی و نظامی ایران و کاستن از نفوذ ایران و سیاست‌های پارسی‌ستیزی روسیه تزاری، از سال ۱۸۲۸م، عثمانی‌ها میدان‌دار تحولات این منطقه شدند. از این تاریخ با مداخله‌های عثمانی‌ها و تشکیل جمهوری تازه‌پای آذربایجان در سال ۱۹۱۸م، مسئله تعلق نخجوان به یکی از سه بازیگر اصلی یعنی روسیه، عثمانی و بعدها جمهوری آذربایجان، پیچیده‌تر شد. از عوامل مهم این بحران، موضوع ترکیب جمعیت ارمنی، ترک و یا ایرانی آن بود که در دو سده گذشته با تغییراتی همراه شد. کار به جایی رسید که در قرارداد قارص مورخ ۱۹۲۱م، دولت سوسیالیستی روسیه، عثمانی و نمایندگان جمهوری‌های سوسیالیستی نوپای قفقاز، سازوکار جدیدی را در مرزهای قفقاز جنوبی رقم زدند که بر شکل‌گیری واحد سیاسی نخجوان هم تأثیرگذار بود.

پیمان قارص مشخص‌کننده وضعیت سیاسی و جغرافیای منطقه سه‌ضلعی و بسته نخجوان و بخشی از مرزهای ایران را در گذرگاه باختری رود ارس به قره‌سو (نقاط استراتژیک مرزهای سه‌گانه ایران، روسیه شوروی، ترکیه عثمانی) در پایان جنگ جهانی نخست تشکیل می‌دهد، منطقه‌ای که اکنون مرز مشترک با ایران، ترکیه، ارمنستان را تشکیل می‌دهد. پهنه‌ای که در یک باریکه کوچک ۱۲ کیلومتری محل اتصال جمهوری خودمختاری نخجوان به

ترکیه و محل جدا شدن مرزهای تاریخی ایران به ارمنستان تاریخی و بلندی‌های آرات کوچک و بزرگ در شُرور است.

هدف از نگارش مقاله پیش روی، بررسی وضعیت نخجوان در شمال ارس و مشخص کردن سیر رویدادهای منتهی به شکل‌گیری واحد سیاسی نخجوان تا امضای پیمان مهم قارص است. پیمانی که تاکنون ضامن امنیت و ماندگاری منطقه خودمختار جمهوری نخجوان آذربایجان بوده است. پس از آغاز انقلاب در فوریه ۱۹۱۷، دولت موقت روسیه اداره کمیته ویژه قفقاز جنوبی را برعهده گرفت. آنگاه جمهوری‌های فدراتیو دمکرات قفقاز جنوبی شکل گرفتند. از سال ۱۹۱۷ نخجوان بخشی از جمهوری فدراتیو دمکراتیک ماورای قفقاز شد. پس از اینکه حکومت تزاری در ماه مه ۱۹۱۸ منحل شد، تنش‌های قومی در نخجوان، ناگورنو قره‌باغ و زنگزور (سیونیک کنونی در ارمنستان) و کازاک دوباره به اوج خود رسید. حکومت‌های کوتاه مدت شکل گرفتند و در ماه ژوئن ۱۹۱۸ عثمانی‌ها و سپس انگلیسی‌ها به قلمرو روسیه یورش بردند. پس از دو سال اشغال و جابجایی‌های قدرت میان عثمانی‌ها و انگلیس، نخجوان در ۱۶ اکتبر ۱۹۲۱ م، به جمهوری سوسیالیستی شوروی پیوست. سپس در ۹ فوریه ۱۹۲۴ رسماً بخشی از جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شد (Kalaintzis, 2015: 8). از این پس ترکیه نیز مرز زمینی با آن بدست آورد (Aliprandi, 2016: 30). ترکیه پس از ارتباط زمینی با نخجوان در حقیقت برنده اصلی مناقشه نخجوان بین دولت‌های قفقاز جنوبی بوده است؛ زیرا زمینه‌های نفوذ و مداخله‌های بعدی این کشور را با توجه به این همسایگی فراهم کرد.

پیشینه پژوهش

درباره رویدادهای جنگ جهانی اول و نتایج آن در قفقاز جنوبی به‌ویژه تحولات سیاسی - نظامی که منتهی به تشکیل جمهوری خودمختار نخجوان شد منابع ایرانی محدود، اندک و گاه و با سکوت همراه بوده است. ایران هم‌زمان با این رویدادها در سال‌های پایانی حکومت قاجار و دوره احمدشاه تنها نظاره‌گر حوادث بود و اساساً نقشی ایفا نکرد. منابع کمی در دسترس بوده است و یا برای پژوهشگر ایرانی چندان اهمیتی نداشته است که به آن بپردازد. ایران در هیچ‌یک از مذاکرات و معاهدات بر سر مرزبندی و شکل‌بندی واحدهای نوظهور شمال ارس و به‌ویژه منطقه عمومی نخجوان سهم و دخالتی نداشت. کشورهای بزرگ و کوچک منطقه برای مرزبندی‌های جدید سیاسی به‌ویژه مسئله نخجوان طرف مشورت قرار نگرفتند. از سوی دیگر ایران نیز توانایی ورود به مناقشات بین‌المللی و منطقه‌ای به‌ویژه مناقشه

قفقاز جنوبی نداشت؛ بنابراین اسناد دولتی در این زمینه بسیار محدود است. اسناد و مدارک دولتی ایران تنها در دو مقطع تاریخی می‌تواند روشنگر برخی وقایع منطقه‌ای باشد. نخست جنگ‌های ایران و روسیه و شکل‌گیری نخجوان در دل حکومت تزاری است. دیگری بازتاب مناقشه و اختلافات جمهوری‌های نوپا با یکدیگر در سال‌های پس از جنگ جهانی اول است که نمایندگی سیاسی ایران از شهرهای گنجه، تفلیس، ایروان و باکو به تهران ارسال کرده‌اند. از سوی دیگر اسناد و مدارک روابط سیاسی ایران با عثمانی در روزهای پایانی و سال‌های پس از جنگ و گزارش‌های کنسولگری ایران در استامبول نیز درباره کشتارها و درگیری‌های شرق آناتولی میان ارمنی‌ها و ترکان عثمانی اهمیت دارد، درحالی که درباره موضوع موردبررسی با کمبود منابع آرشیوی مواجهه‌ایم.

پژوهش حاضر با توجه به محدودیت منابع ایرانی، کوشیده است تا بر پایه گزارش‌های موجود، تأثیر جنگ جهانی اول بر نخجوان و همچنین پیمان قارص بر خودمختاری این پهنه را مورد پژوهش قرار دهند. در این میان تنها کتاب به زبان فارسی، کتاب «تاریخ سیاسی نخجوان: از چیرگی روس‌ها تا سقوط بلشویک‌ها (۱۸۲۸-۱۹۹۱)» به قلم جمشیدی‌راد است. از همین رو نگارندگان در این اثر کمتر از منابع ایرانی استفاده کرده و اذعان دارند که منابع ایرانی درباره این موضوع بسیار محدود است. در منابع ایرانی که در این پژوهش مطالعه شده است می‌توان به مقاله شاهن هوسپیان با عنوان «نگاهی مختصر به تاریخ منطقه نخجوان» اشاره کرد. ادیک باغداساریان هم گزارش کوتاهی به زبان فارسی درباره تاریخچه نخجوان دارد. از آنجا که تحولات نخجوان پس از جدایی از ایران بسیار اهمیت دارد و حتی آینده سیاسی این واحد با ادامه مناقشات مرزی نگران‌کننده شده است، ضرورت دارد تا تاریخ شکل‌گیری آن با منابع متنوع‌تر کامل‌تر شود. با توجه به چنین ضرورتی است که نگارندگان پژوهش حاضر، افزون بر اندک منابع فارسی، با استفاده از گزارش‌ها و پژوهش‌هایی که به زبان انگلیسی منتشر شده است، مراجعه و در این پژوهش از آنها بهره‌مند شده است. ادیک ظهراپیان کتاب مهمی به زبان ارمنی درباره تحولات سیاسی نخجوان دارد که در پژوهش حاضر از آن استفاده شده است.

از مهم‌ترین منابع ارمنی که در این زمینه گزارش‌های ارزنده‌ای ارائه داده‌اند، می‌توان به منابع زیر اشاره کرد؛ جورج بونوتیان در کتابی بنام «تاریخ مختصر مردم ارمنستان»، گاراپت چیچکیان در کتاب «تغییرات سرزمینی ارمنستان از تاریخ ۱۶۳۹»، گایانه مخموریان در کتاب «مجموعه نامه‌های مرتبط با مناطق ارمنی‌نشین نخجوان (۱۹۱۸-۱۹۲۰)»، آلیک قریبیان در اثر «وضعیت اجتماعی-اقتصادی و سیاسی در قفقاز جنوبی (۱۹۱۸-۱۹۲۰)»، آرمینه ایپریکیان

در اثر «گام‌های دیپلماتیک و نظامی ترکیه برای اشغال نخجوان»، گریگور هاکوپیان در کتاب «پیدایی مناقشات منطقه‌ای و اهمیت استراتژیک نخجوان»، نیکلای هوهانسیان در اثر «مسئله قره‌باغ و راه آزادی و استقلال»، تیگران مارتیروسیان در اثر «مانیفست ملی‌گرایان در قفقاز جنوبی از دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۰»، آرا پاپیان هم در اثر خود با عنوان «پاداش سرزمینی وودرو ویلسون در مرزهای ارمنستان- ترکیه».

از آثار نویسندگان آذربایجانی نیز که در زمینه نخجوان پژوهش‌هایی انجام داده‌اند، می‌توان به کتاب افغان احمدوف با نام «سیاست خارجی بریتانیا در جمهوری آذربایجان (۱۹۲۰-۱۹۱۸)»، نورانا علیوا در کتاب «ادعاهای ارمنستان بر نخجوان و تأثیر آن بر جغرافیای تاریخی منطقه»، کمالا امرانلی در کتاب «جمهوری نخست ارمنستان و مناقشات مرزی با آذربایجان»، علیار عظیموف در کتاب «جمهوری خودمختار نخجوان در درون جمهوری آذربایجان»، جمیل حسن لی در اثر «چگونه دفتر قفقاز کمیته مرکزی بلشویک‌ها درباره قره‌باغ مذاکره کردند (۱۹۲۰-۱۹۲۳)» و نویسنده ترکیه بورجو گل‌تکین نیز به موضوع نخجوان پرداخته است. وی در کتاب خود با نام «بازگشایی راه بسته نخجوان، دروازه شرق» به منازعه ارمنستان و ترکیه بر سر نخجوان می‌پردازد. علی ساتان هم مقاله‌ای با نام «قرارداد سور و ارمنیان» دارد.

از نویسندگان اروپایی که به مطالعه تاریخ نخجوان پرداخته‌اند، می‌توان به امانوئل الپیراندی ایتالیایی یاد کرد. او در کتاب خود با نام «داستان نخجوان» تاریخچه نخجوان را از نگاه یک نویسنده اروپایی نوشته است. الکساندر بالیسرری کنفرانس باتوم را بررسی کرده است و چمپین پیل به همراه گروهی از نویسندگان اروپایی نیز در اثر خود با نام «از جنگ اقتصادی تا صلح اقتصادی» به موضوع نخجوان اشاره‌های مهمی دارد. کاپیستو لوری نیز در کتاب «مداخله بریتانیا در جنوب روسیه (۱۹۱۸-۱۹۲۰)» به مسئله نخجوان اشاره کرده است. متاسفانه در آرشیو ملی ایران و همچنین مرکز اسناد و دیپلماسی با وجود اهمیت موضوع نخجوان برای ایران، سند مهم و قابل توجه‌ای درباره موضوع مورد بررسی دیده نمی‌شود. علت اصلی این موضوع درگیرهای داخلی ایران و گرفتاری‌های داخلی کشور بوده است؛ و دیگر این که بازیگران عرصه بین‌المللی برای ایران به جهت این که در شرایط ضعف به سر می‌برد، جایگاهی قائل نبوده‌اند. از این رو جز یک گزارش از اقبال‌السلطنه ماکوئی سند دیگری در آرشیو ایران در ارتباط با موضوع دیده نشده است. با وجود پژوهش‌های ارزشمندی که درباره نخجوان به زبان انگلیسی صورت گرفته است، اما تاکنون به صورت جدی و مستقل در بین آثار یاد شده تأثیر جنگ جهانی اول بر تحولات سیاسی نخجوان از

قرارداد باتوم تا قارص (۱۹۱۸-۱۹۲۱) موضوع اصلی پژوهش‌های انجام شده درباره نخجوان نبوده است. در نتیجه تلاش می‌شود تا با استفاده از منابعی که درباره این موضوع وجود دارند، تحولات سیاسی نخجوان که منجر به الحاق آن به جمهوری آذربایجان بین دو قرارداد باتوم و قارص شده است، مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد.

قرارداد باتوم و تأثیر آن بر سرنوشت نخجوان

قرارداد باتوم میان امپراطوری عثمانی، ارمنستان، آذربایجان و گرجستان در ۴ جون ۱۹۱۸ م امضا شد. مذاکرات بسیار گسترده بود و از ۱۱ ماه مه ۱۹۱۸ م در کنفرانسی در شهر باتومی آغاز شد. عثمانی‌ها، الکساندر وپل و ایچمیادزین را می‌خواستند و همچنین درخواست کردند که راه آهن میان قارص تا جلفا و از آنجا تا باکو کشیده شود. هدف آن بود که قارص به باکو متصل شود. البته این خواسته دقیقاً متوجه گذرگاه نخجوان می‌شد. عثمانی‌ها سرانجام در مذاکرات نخجوان را از آن خود کردند. در ۱۳ دسامبر ۱۹۱۸ م پیش از آنکه هیئت عثمانی آماده حرکت به سوی مسکو شود، رئیس هیئت یوسف کمال از مصطفی کمال می‌پرسد: «اگر روس‌ها بر سر تصاحب نخجوان اصرار کنند؟ من چکار کنم؟» پاسخ چنین بود: «نخجوان دروازه ترکیه است. این را بخاطر بسپر و هر کاری که می‌توانی برای تحقق آن انجام بده» (Hasanli, 2011: 161). این موضوع نشان‌دهنده اهمیت نخجوان در جغرافیای ژئوپلیتیک قفقاز برای عثمانی‌ها بوده است.

امپراطوری عثمانی پس از آن حملات خود را آغاز کرد تا مناطق جدیدی را در قرارداد باتوم بدست آورد. در ۲۰ جولای ۱۹۱۸ م/ ۲۸ تیر ۱۲۹۷ خ. ارتش عثمانی مقاومت ارمنی‌ها را در نخجوان شکست و پرچم عثمانی در نخجوان برافراشته شد. در ۱۵ اگوست ۱۹۱۸ م. این سرزمین‌ها رسماً اشغال شد و بیانیه سلطان محمد وحیدالدین^۱ خوانده شد. در ۱۴ سپتامبر همان سال تصمیمی برای اداره محلی این منطقه گرفته شد (Hasanli, Ibid: 161). بر پایه این تصمیم، استان باتومی شامل شهرهای قارص، اردهان، باتومی و مناطق همجوار شد. نخجوان نیز ضمیمه مرزهای عثمانی بر پایه قرارداد باتوم گردید. بدین ترتیب نخجوان در استان باتومی قرار گرفت و بخشی از ناحیه قارص شد.

در مناقشه بر سر مرزهای جنوبی قفقاز، عثمانی‌ها مرزهای خود را تا نخجوان گسترش دادند و خود را به مرز ایران رساندند. آنگاه محور راه آهن قارص - جلفا را نیز بدست خود گرفتند. در آن هنگام نیروهای بریتانیایی در شمال ایران مستقر شده بودند. عثمانی‌ها تا باکو

۱. محمد ششم یا وحیدالدین محمد (۱۸۶۱-۱۹۲۶) سی و ششمین و آخرین پادشاه امپراطوری عثمانی بود.

هم پیشروی کردند ولی پیمان مندروس^۱ همه چیز را به ناگهان تغییر داد و در ۲۴ اکتبر ۱۹۱۸ نیروهای عثمانی از همه مناطقی که در پیمان باتوم بدست آورده بودند پس نشستند. عثمانی‌ها بدین ترتیب در ۳۰ اکتبر ۱۹۱۸م قرارداد آتش‌بس و پیمان دیگری را بنام مندروس^۲ با ائتلاف اروپایی امضا کردند (Balistreri, 2021: 82). این قرارداد نقش مؤثری در جهت‌گیری‌های سیاسی ترکیه نوین طی سال‌های پیش رو در عرصه داخلی و خارجی داشت.

جمهوری ارس و مسئله نخجوان

پس از فروپاشی روسیه تزاری و پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م و هم‌زمان با پایان جنگ جهانی نخست ارمنستان در ماه مه ۱۹۱۸م اعلام استقلال کرد و منطقه نخجوان را بخشی از خاک خود دانست (هوسپیان، ۱۳۸۷: ۸۳). این ادعا بر پایه تشکیل خانات ایروان در دوره صفویه به این سو بود، زیرا در همه تقسیم‌بندی‌ها نخجوان و شرور بخشی از استان ایروان بود (آراکلیانس، ۱۳۹۶: ۲۳۷). این تقسیم‌بندی تا قرارداد ترکمن‌چای ادامه داشت و در دوره تزارها نیز استان ایروان شامل نخجوان نیز می‌شد (Imranli, 2012: 22). در این میان عثمانی‌ها با توجه به نیت گسترش‌خواهی خود و رویکرد تورانیستی، اهالی ترک ایرانی را تحریک کرده و اوضاع منطقه نخجوان، وارد مناقشه خونینی شد (Abrahamyan, 2017: 102).

در همین زمان عثمانی‌ها نیروهای کوچکی را در نخجوان نگه داشتند و با کمک مساواتی‌ها جمهوری ارس را پایه‌گذاری کردند (جمشیدی راد، ۱۳۷۷: ۱۹۵). هدف مساواتی‌ها و عثمانی‌ها آن بود تا این منطقه را به جمهوری آذربایجان الحاق کرده و در نهایت عثمانی‌ها با جمهوری آذربایجان همسایه شوند. در این سال‌ها ترکیب جمعیتی نخجوان تغییری نکرده و شمار ایرانیان ترک مسلمان^۳ بیشتر از باشندگان ارمنی - مسیحی بود. آمارها

^۱ بر پایه قرارداد مندروس Mondros که در ۳۰ اکتبر ۱۹۱۸م/۷ آبان ۱۲۹۷خ بین عثمانی و دولت‌های ائتلافی امضا شد، امپراطوری عثمانی عملاً به پایان رسید، سرانجام روز ۱۰ اوت ۲۹/۱۹۲۰ مرداد ۱۲۹۹ ترک‌ها از تمامی سرزمین‌های عربی چشم‌پوشی کردند (دولاندلن، ۱۳۶۴: ۳۹۹)

^۲ Mudros reconciliation.

^۳ ترک‌های شمال ارس و منطقه نخجوان و شرور اصالتاً ایرانی بوده‌اند. آنها از دوره سلجوقیان و بتدریج از زمان بیگلربیگی‌ها و خان‌ها که ولایت ایروان و گاه نخجوان را برعهده داشتند در این منطقه زندگی می‌کردند و بخشی از ملیت ایرانی بودند. در آن تاریخ هویتی بنام هویت جمهوری آذربایجان وجود خارجی نداشت، بلکه در پهنه‌ای به نام شروان، اران و مناطق اطراف آن ساکن بودند؛ اما بعدها عثمانی‌ها و مساواتی‌ها در تلاش بودند که با توجه به کوتاهی و بی‌عملی دولت وقت قاجار، هویت جدیدی را برای مردمان این منطقه درست

نشان می‌دهد که تا جنگ جهانی نخست، شماره ارمنی‌های ساکن در نخجوان ۴۰ درصد از کل بوده است (Abrahamyan, 2017:104). البته سیاست خزنده عثمانی در این زمینه ثمربخش بوده و بعدها بر پایه کثرت جمعیتی ترک‌زبان و مسلمان نخجوان توانستند نقش مهمی در تحولات سیاسی و دیپلماسی انجام دهند.

عثمانی‌ها جمهوری دست‌نشانده ارس-ترک را در سوم نوامبر ۱۹۱۸ اعلام کردند تا مانع الحاق آن به ارمنستان شوند و از سوی دیگر زمینه هم‌مرز شدن با جمهوری آذربایجان را فراهم کنند. در دسامبر ۱۹۱۸م. جعفرقلی خان نخجوانسکی جمهوری ارس را در نخجوان (بخشی از استان ایروان وقت که به وسیله انگلیسی‌ها به ارمنستان واگذار شده بود) اعلام کرد. جمهوری کوتاه و زودگذر ارس بلافاصله طرح‌های ترکی کردن و تغییر زبان و فرهنگ را به اجرا درآورد. عملیات برای تشکیل جمهوری ارس-ترک تا مارس ۱۹۱۹م. ادامه یافت تا اجازه ندهد ارمنی‌ها دوباره نخجوان را تصرف کنند (Aliyeva, 2020: 150).

با وجود تلاش‌های ترک‌ها در نخجوان، دولت ارمنستان نیروهای خود را به منطقه فرستاد تا نخجوان را به کنترل خود درآورد. نبردی آغاز شد که مشهور به جنگ ارس است. تا ماه جون سال ۱۹۱۹، ارمنستان منطقه نخجوان را بدست گرفت. با سقوط جمهوری ارس، نبرد با نیروهای ارتش آذربایجان ادامه یافت و این جنگ تا پایان جولای همان سال ادامه داشت. سرانجام نیروهای ارمنی مجبور شدند که شهر نخجوان را تخلیه کنند. خشونت میان ارمنی‌ها و آذری‌ها بالا گرفت و منجر به کشته شدن ۱۰ هزار ارمنی و ویران شدن ۴۵ روستای ارمنی شد (New World Encyclophedia).

بریتانیا که در اوایل سال ۱۹۱۹م. نخجوان را تصرف کرده بود جمهوری جوان ارس-ترک را به رسمیت نشناخت. در برابر، بریتانیا، نخجوان و شرور را بخشی از کشور ارمنستان به رسمیت شناخت؛ بنابراین، جمهوری ارس-ترک فروپاشید. در ژوئن ۱۹۱۹، دانشناک‌ها با کمک نیروهای بریتانیا نخجوان را اشغال کردند. پس از آن، در نخجوان تشکیلات جدیدی در شکل فرمانداری نظامی تحت قیمومیت انگلیس به وجود آمد و یک عضو دانشناک^۱ ریاست حکومت نخجوان را به عهده گرفت، اما پس از عقب‌نشینی نیروهای

کنند تا بتوانند با تحریک آنها زمینه مداخله و توسعه ارضی و باز کردن کریدور نخجوان و زنگلان را به وجود آورند تا عثمانی‌ها همسایه جمهوری نوپای آذربایجان شود (رضا، ۱۳۸۶: ۱۰ و ۱۱).

^۱. دانشناکسیوتیون یا فدراسیون انقلابی ارمنستان که در ۱۸۹۰م در تفلیس پایه‌گذاری شد. آنها نقش اساسی در تأسیس جمهوری نخست ارمنستان در سال ۱۹۱۸ داشتند. این حزب حاکم در سال ۱۹۲۰ بدست کمونیست‌های شوروی سقوط کرد.

بریتانیا، کمیته ملی نخجوان، نیروهای نظامی داشناک‌ها را عقب راند (Azimov 2017, 2-3).

سرنوشت نخجوان در قرارداد مدروس^۱ و سور^۲

پیمان مهم مدروس در ۱۰ آگوست ۱۹۲۰ امضا شد. این پیمان مهم مواد بسیار متعددی درباره شرایط ترک جنگ با عثمانی کمالیستی داشت. بخش بسیار کوچکی از این پیمان مربوط به تعیین تکلیف موقعیت نخجوان بود. در ماده چهاردهم پیمان به مسئله سرزمین‌های ارمنستان اشاره شده و تأکید شده است که در خصوص هرج و مرج در ۶ استان ارمنی، نیروهای ائتلاف این حق را بر خود مفروض می‌دارند که هر یک از این بخش‌ها را به اشغال خود درآورند (Maurice, 1943: 85-88). منظور از این بند، همان مناطق شرقی آناتولی و ارمنستان باختری از نخجوان گرفته تا وان و ترابوزان بود؛ اما پس از آن، عثمانی‌ها بیکار نشستند و حملات شدیدی در این مناطق با هدف دست‌یابی بر این مناطق آغاز نمودند. یکی از مهم‌ترین سازمان‌هایی که در مناطق باتومی، آخالکلکی^۳، اردهان^۴، آرتوین^۵، اولتو^۶، قارص^۷، کاقیزمان^۷، ساری کامیش^۸ و نخجوان ایجاد شد، «سازمان شورای ملی» بود که به نام «شورای اسلام قارص» نام‌گذاری شد. در نتیجه آن کنگره‌ای در ۱۷ ژانویه ۱۹۱۹م تشکیل گردید و دولت موقت ملی در جنوب غرب قفقاز تأسیس شد. نخست نیروهای بریتانیا که وارد قارص شده بودند این شورا را در ۱۳ فوریه ۱۹۱۹ به رسمیت شناختند؛ اما با مداخله یکی از منصوبان محلی ارمنی بنام گارگانف^۹، این طرح ناکام ماند و نیروهای بریتانیا به مجلس دولت ملی موقت جنوب غرب قفقاز، در ۱۹ آوریل ۱۹۱۹ یورش بردند و سپس اعضای این دولت را به جزیره مالت تبعید کردند. پس از این نیروهای شبه‌نظامی ارمنی به این مناطق یورش برده و این مناطق به مدت کوتاهی در اختیار آنها قرار گرفت (Satan, 2021: 35).

یک ماه پس از قرارداد سور، عثمانی‌ها در ۱۲ سپتامبر همان سال به ارمنستان یورش بردند و سرزمین‌هایی را که قرارداد سور به ارمنستان در شرق ترکیه واگذار کرده بود را اشغال

1. Mudros.
2. Sevres.
3. Akhalkalaki.
4. Ardahan
5. Artvin.
6. Oltu.
7. Kagizman.
8. Sarikamish.
9. Garganov

کردند. بر پایه ماده ۸۹ قرارداد سور که در ۱۰ آگوست ۱۹۲۰ در شهر سور^۱ با ژنرال هادی پاشا^۲، سناتور رضا توفیق‌بی^۳، رشاد هالیس‌بی^۴ فرستاده فوق‌العاده و وزیر مختار ترکیه عثمانی در برن^۵ امضا شد، ترکیه و ارمنستان و سایر طرف‌های متعهد، موافقت می‌کنند که موضوع مرز تعیین شده میان ترکیه و ارمنستان در ولایات ارزروم، ترابوزان، وان و بیتلیس را به داوری رئیس‌جمهور امریکا تسلیم کنند (Papian, 2011: 2-3). بر پایه گزارش کمیته وودرو ویلسون برای تعیین حدود مرزهای ترکیه و ارمنستان، طرفین باید هر تصمیمی و نیز هرگونه شرطی را که ممکن است برای دسترسی ارمنستان به دریا و غیرنظامی کردن هر بخش از خاک ترکیه در مجاورت مرز مذکور پیشنهاد شود را بپذیرند (Papian, 2011). البته این موضوع پیشنهادی نبود که ترک‌ها به دنبال پذیرش آن باشند. در نتیجه سرسختانه در مقابل آن مقاومت کردند. در نتیجه قرارداد سور هرگز به تأیید دولت انقلابی مصطفی کمال نرسید و اجرایی نشد. در این پیمان وضعیت نخجوان در داخل ارمنستان بزرگ به رسمیت شناخته شد. ایالات وان، بیتلیس^۶ ارض روم^۷ و ترابوزان را نیز به ارمنستان دادند و یکباره ۷۵ هزار کیلومتر وسعت کشور ارمنستان شد که شامل ارمنستان باختری در شرق ترکیه امروزی می‌شد. ترکیه سور را نپذیرفت و سه ماه بعد از قرارداد سور، روس‌های بلشویک و ترکیه به ارمنستان حمله کردند. در برابر این حملات، ارمنستان تنها ماند و قدرت مقاومت در برابر آنها را نداشت و شروط ترکیه را در قرارداد بعدی یعنی الکساندروپل^۸ پذیرفت. سرانجام در ۲ دسامبر ۱۹۲۰م. ارمنستان این قرارداد را امضا کرد و سپس با روس‌های بلشویک در همان روز به توافق رسید (Chichekian, 1967: 67). این قرارداد نقش مهمی در سنگینی وزنه در ارمنستان شرق و نخجوان به نفع ترکیه در برابر ارمنستان بود. در حقیقت روس‌ها با فشارهای خود بر ارمنی‌ها زمینه برتری ترک‌ها را در منطقه فراهم کردند.

سرنوشت نخجوان در قرارداد الکساندروپل

قرارداد الکساندروپل یا بنا بر گزارش‌های ترکی-عثمانی «گیومری» بین جمهوری ارمنستان و مجلس اعلای ملی ترکیه عثمانی در آنکارا در ۳ دسامبر ۱۹۲۰م. امضا شد و مقدمه قرارداد

1. Sevres.

۲. محمت هادی پاشا (۱۸۶۱-۱۹۳۲) فرمانده عثمانی که امضا کننده قرارداد مشهور خفت‌بار سور بود.

3. Riza Tavfik Bey.

4. General Reshad Halis Bey.

5. Bern

6. Bitlis.

7. Erzurum.

8. Alexandropol Treaty.

قارص بود. مصطفی کمال بعدها گفت که قرارداد قارص به گونه مناسبی به مسئله ارمنستان پایان داد. برای این که همه تلاش‌های گذشته برای خدمت به منافع اقتصادی جهان سرمایه‌داری و نه در خدمت منافع واقعی ارمنستان بود (Fleet, 2018: 144-145).

در این پیمان راه شرور - نخجوان به شاه‌تختی و جلفا، راه ترانزیت آزاد میان ایران با کواارمنستان-ترکیه شناخته شد. پژوهشگر ترکیه الف. آت‌نور^۱ درباره معاهده گیومری و مرزهای تعیین شده در آن می‌نویسد: «پس از پیشنهاد صلح بوسیله ترکیه به ارمنی‌ها، گفتگوهای صلح میان نمایندگان ترکیه و ارمنستان در ۲۵ نوامبر در گیومری آغاز شد. مذاکرات میان دو سو در ۲ دسامبر و در همان روز و همان شب تا روز سوم تا ساعت ۲۴ ادامه یافت و قرارداد گیومری بسته شد» (Aliyeva, 2020: 151).

ماده ۲، ۱۲ و ۱۸ قرارداد، مربوط به نخجوان بود. بر پایه ماده ۲ مرزها و وضعیت نخجوان به شرح زیر تعیین شد: کوه‌های کوکو^۲، کوه‌های کاماسور^۳، کوه روستای گوردگولاخ-سایات^۴، رود آرپا^۵، کوه گومورلو^۶، چشمه‌سرای^۷، ایستگاه آرات، رود ارس، نخجوان، شاه‌تختی، شرور، جنوب نوارگذر قره‌سوی کوچک^۸، در داخل حکومت نخجوان است و ارمنستان حق دخالت در مناطق نامبرده را ندارد و حکومت محلی، زیر نظر ترکیه تأسیس خواهد شد.

در ماده ۱۲ آمده است که دولت ترکیه متعهد می‌شود که امنیت راه‌های گذر میان ارمنستان، شرور- نخجوان شاه‌تختی و جلفا-ایران-ماکو را تأمین کند. محدوده مرزهای نخجوان بجز دولی^۹ و آرازدایان^{۱۰} در موافقتنامه گیومری و در نتیجه ودی بزرگ^{۱۱} و مناطق اطراف آن که مناطق تاریخی ترک‌ها هستند، مانند اولوحنلی^{۱۲}، گامارلی^{۱۳}، و مهم‌تر از همه خود نخجوان تا سال ۱۹۲۰ تعیین می‌شوند. شمال باختری مرز در «دولی» است. ارمنستان در امور پسا همه‌پرسی نخجوان حق دخالت ندارد و نظام اداره نخجوان تأسیس می‌شود که زیر نظر ترکیه خواهد بود (Aliyeva, 2020: 150).

1. A. Atnur.

2. Kuku.

3. Kamasor.

4. Gurdgulag village-Sayat Mountain.

5. Arpa River.

6. Gomurlu mountain.

7. Saray spring-8071.

8. Develi.

9. Arazdayan.

10. the Great Vedi

11. Uluhanli.

12. Gamarly.

براساس پیمان الکساندروپل مرزهای جمهوری نخجوان زیر کنترل آذربایجان مشخص شده و نخجوان نمی‌توانست به هیچ حکومت همسایه‌ای واگذار گردد. ارمنستان بنا بر درخواست ترکیه از منطقه شرور چشم‌پوشی کرده و آن را به جمهوری نخجوان واگذار کرد. این بدان معنی بود که ارمنستان در این مسیر از تماس مستقیم با ایران و به‌طور متقابل محروم می‌شد. این تماس تا قبل از آن از راه پل شاه تختی صورت می‌گرفت (باغداساریان، ۲۰۱۶: ۱۰۴). ترکیه با قطع مسیر شرور بین ایران و ارمنستان با این اقدام بستر محدود نمودن این کشور را بیش‌ازپیش فراهم کرد. ایران نیز به جهت درگیری‌های داخلی فرصت اقدام و اعتراض نسبت به تصمیم ترکیه در برابر ارمنستان را نیز دارا نبود.

آخرین کوشش‌های ارمنستان برای انضمام نخجوان در کنفرانس صلح پاریس

براساس قرارداد الکساندروپل مناطق قارص و اردهان ارمنستان به عثمانی و بر پایه ماده سوم قرارداد، منطقه زنگزور به ارمنستان واگذار شد و در ماده ۱۴ قرارداد، منطقه نخجوان به‌عنوان منطقه خودمختار تحت سرپرستی عثمانی قرار گرفت. این شرط تا زمانی بود که این منطقه بتواند حق تعیین سرنوشت پیدا کند و خودمختاری تشکیل دهد (Chichekian, 1967: 67). این قرارداد هم نتوانست آرمان‌های ارمنی‌ها را در کسب سرزمین‌های ارمنی‌نشین عثمانی در پایان جنگ جهانی نخست تحقق بخشد.

ارامنه ارمنستان همواره در هنگام جنگ جهانی نخست و کنفرانس‌های بین‌المللی موضوع تشکیل کشور ارمنستان و تعیین قلمرو خاکی از پهنه خاوری اران، شروان و تالش تا دریای سیاه را مطرح می‌کردند. کنفرانس صلح پاریس^۱ در ۱۹۱۹م. تشکیل شد و بار دیگر نگاه ارامنه را به خود جلب کرد تا در این کنفرانس ادعاهای سرزمینی خود را مطرح کنند. این ادعاها عمدتاً متوجه دولت عثمانی بود که بخش بزرگی از مناطق تاریخی ارمنی‌نشین را تشکیل می‌داد و در جنگ جهانی نخست مردمان این سرزمین در شرق آناتولی متحمل کشتار پی‌درپی قرار گرفته بودند. موضوع ارمنستان پیش از کنفرانس مطرح شده بود؛ اما در زمان برگزاری کنفرانس صلح پاریس، دولت مستقل ارمنستان یادداشتی به کنفرانس در ورسای در ۲۶ فوریه ۱۹۱۹م ارائه داد که نتیجه‌ای در پی نداشت. در نتیجه موضوع اشغال قارص، منطقه نخجوان با کمک فرمانده عالی بریتانیا اشغال شد و در ۱۲ تا ۲۰ ماه مه ۱۹۱۹م نخجوان دست نیروهای انگلیسی افتاد. ژنرال دوی^۲ فرمانده نیروهای بریتانیا از اهالی غیر ارمنی

^۱. Paris Peace Conference.

^۲. Devi.

نخجوان خواست که حاکمیت ارمنستان را بپذیرند. در سوم ماه مه ۱۹۱۹ اس.میناسیان وزیر کشور جمهوری ارمنستان، گورگ پتروس وارشامیان را فرماندار نخجوان و پیرامون آن گمارد (Makhmourian, 2016:183). اما این ترتیبات اداری موقتی بود؛ زیرا در اقدامی دیگر بریتانیا سیاست خود را تغییر داد و نیروهای خود را از نخجوان خارج کرد. پس از عقب‌نشینی نیروهای بریتانیا، جمعیت مسلمان منطقه که به‌وسیله ترکیه و مأموران آذربایجانی تشویق شده بودند تا آگوست ۱۹۱۹م سلسله شورش‌های پیوسته علیه ارمنستان به وجود آوردند. این وقایع در شرایطی بود که شورای ۵ نفره کنفرانس صلح پاریس، کلنل هاسکل^۱ کمیسر عالی برای ارمنستان را گماردند تا به ایروان فرستاده شود و مناطق مورد ادعا را بررسی کند. در ۲۹ آگوست ۱۹۱۹م کلنل هاسکل پس از رایزنی محلی، موافقتنامه‌ای را با جمهوری آذربایجان امضا کرد که منطقه نخجوان منطقه بی‌طرف باشد. این وضعیت تا پیمان «سور» باقیماند و بعد هم در پیمان قارص سرنوشتش تغییر کرد. از نگاه ساماندهی سرزمینی و تصویر ژئوپلتیکی و سیاسی منطقه، تعیین تکلیف مناطق زنگزور در شرق نخجوان، قره‌باغ در شرق و شمال شرق زنگزور، بسیار پیچیده و گیج‌کننده‌تر بود (Chichekian, 1967: 60-61).

پس از امضای قرارداد باتوم و تصمیم کلنل هاسکل درباره نخجوان، این پهنه پیوسته میدان جنگ و درگیری خونین بود. از نگاه کنفرانس صلح پاریس، دولت ارمنستان به دلایل امنیتی پیمان دوستی را در ۲۰ آوریل ۱۹۲۰م. با روسیه بست؛ زیرا در آن زمان چاره دیگری نداشت. در برابر، دولت سوسیالیستی شوروی پذیرفت که استقلال ارمنستان را به رسمیت بشناسد و کمک کند تا ارمنستان بعدها مشکلاتش را با عثمانی حل کند؛ اما روس‌ها به این قرارداد احترام نگذاشتند؛ زیرا عثمانی قرارداد مشابهی را فوراً پس از ارمنستان با روس‌ها منعقد نمود. آشکارا اولویت را روس‌ها به طرح عثمانی دادند که عمدتاً به دلیل طرح‌های استراتژیک بلشویک‌ها برای آینده منطقه بود (Chichekian, Ibid: 62). این اقدام روس‌ها نقش مؤثری در دخالت‌های ترکیه نوین در منطقه قفقاز داشت.

جمهوری سوسیالیستی نخجوان و همه‌پرسی خودمختاری

با وجود فعالیت‌های مستمر نظامی عثمانی در ارمنستان باختری و نخجوان، ارتش سرخ توانست در نیمه سال ۱۹۲۰م نخجوان را اشغال کند. پس‌ازاین یورش و تصرف نخجوان، یک منطقه بسته میان ارمنستان و شمال باختری ایران ایجاد شد و ارتش سرخ، جمهوری سوسیالیستی نخجوان را اعلام کرد. در همین زمان بیانیه استقلال آذربایجان شوروی در سال

^۱.Colonel Haskell.

۱۹۲۰ اعلام شد. پس از ورود ارتش سرخ در ۲۸ جولای ۱۹۲۰م. نیروهای ارمنی که برای دفاع از ارامنه در نخجوان بودند، این منطقه را ترک کردند و این آخرین حضور نیروهای نظامی ارمنی در نخجوان بود (اپریکیان، ۲۰۱۵: ۲۲-۲۵).

با توجه به کوشش ارمنستان برای انضمام نخجوان، موضوع جمهوری خودمختار دوباره روی میز تصمیم‌گیری گذاشته شد. در اوایل ۱۹۲۱م در نخجوان بافت جمعیتی به نفع ترک‌ها تغییر کرده بود. بسیاری از ارامنه ساکن نخجوان به دلیل جنگ و کشتار و گرسنگی این مناطق را رها کرده بودند. در این هنگام همه‌پرسی انجام شد و در پی برگزاری همه‌پرسی بیشتر جمعیت این منطقه که تقریباً «ترک» شده بودند، اعلام نمودند تا به جمهوری آذربایجان بپیوندند. ترکیه مشتاقانه از این راه‌حل حمایت کرد. ولی ۹۰ درصد از مردم به ماندن در جمهوری سوسیالیستی شوروی آذربایجان و تأسیس جمهوری خودمختار در ژانویه ۱۹۲۱م رأی دادند (Azimov, 2017: 4-5). شرایط همه‌پرسی کاملاً به سود آذربایجان بود، زیرا در نتیجه جنگ و کشتارها و فرار ارمنی‌های شرور و نخجوان و ویران‌شدن روستاها و کلیساهای آنها ترکیب جمعیتی میان سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۰م کاملاً تغییر کرده بود. ارمنستان در شرایط ناتوانی و وابستگی به بلشویک‌ها چاره‌ای نداشت تا به این همه‌پرسی تن دهد. همه‌پرسی که از پیش سرانجام آن روشن بود. متأسفانه دولت ایران نیز به دلیل درگیری‌های داخلی فرصت داخله در نخجوان را نداشت، در سندی که در آرشیو ملی موجود است، دولت به اقبال السلطنه ماکوئی دستور داده است تا در باب موضوع نخجوان تلاش کند بین ارمنی‌ها و مسلمانان نخجوان صلح ایجاد شود (آرشیو ملی، ش سند ۲۹۳۱۶۵). در این سند تلاشی جهت جلب توجه مردم نخجوان برای الحاق به ایران با توجه به شرایط ناپایدار شوروی، اشاره‌ای نشده است.

بیانیه کمیته انقلاب جمهوری آذربایجان در واگذاری نخجوان به ارمنستان

هنگامی که رژیم شوروی در ارمنستان در ۳۰ نوامبر ۱۹۲۰م تشکیل شد اوضاع در باکوی سوسیالیستی شده کمی تغییر کرد. در ابتدا بلشویک‌های جمهوری نوپای آذربایجان شادمانه از سوسیالیستی شدن رفقای خود در ایروان، موافق واگذار نمودن نخجوان به ارمنی‌ها بودند. پس از آن، کمیته انقلابی آذربایجان در اقدامی برادرانه در بیانیه‌ای بسیار مهم به ناگورنو قره‌باغ حق خودمختاری داد و نخجوان را بخش جدایی‌ناپذیر ارمنستان اعلام کرد.

در یکم دسامبر ۱۹۲۰م هم‌زمان با تأسیس جمهوری سوسیالیستی شوروی ارمنستان، نریمان نریمانوف^۱ رئیس کمیته مرکزی سوسیالیستی باکو بیانیه‌ای را از طرف سوسیالیست‌های حاکم بر باکو بدین شرح منتشر کرد: «از این تاریخ به بعد، هیچ خونریزی بر سر مسائل مورد مناقشه مرزی میان آذربایجان و ارمنستان نخواهد بود. آنها برای سده‌ها همسایه یکدیگر بوده‌اند. مناطق زنگزور و نخجوان بخش جدایی‌ناپذیر سرزمین ارمنستان است و طبقه دهقانان قره‌باغ کوهستانی از فرصت حق تعیین سرنوشت بهره‌مند خواهند شد» (Libaridian, 1988: 107-108).

ارمنستان نیز بیانیه‌ای صادر کرد که ناگورنو قره‌باغ بخشی از خاک ارمنستان است. متن فرمان دولت ارمنستان هم در جراید ارمنی و هم آذربایجانی منتشر شد. بر پایه موازین حقوق بین‌الملل این آخرین اقدام قانونی در موضوع واگذاری ناگورنو قره‌باغ و نخجوان به ارمنستان در هنگام رژیم کمونیستی آذربایجان بود (Martirosyan, 2020: 2). هرچند دولت شوروی تمایلی برای تسلط ارمنی‌ها بر این منطقه را نداشت.

تغییر تصمیم واگذاری نخجوان به ارمنستان

پس از بیانیه نریمان نریمانوف، استالین کمیسر مردمی در امور ملیت‌ها در این دوره، در ۴ دسامبر ۱۹۲۰م در روزنامه پراودا از واگذاری قره‌باغ به ارمنستان خبر داد. از سوی دیگر در ۳ ژوئن ۱۹۲۰ تصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه دفتر قفقاز، درباره واگذاری نخجوان به ارمنستان گرفته شد. این تصمیم به حل مسئله به نفع ارمنستان کمک کرد؛ اما پس از آن در ۵ جولای ۱۹۲۱م دفتر قفقاز، تصمیم نهایی دیگری را برای این دو منطقه گرفت. قره‌باغ را به آذربایجان واگذار نمود و در همان حال به این منطقه خودمختاری اعطا کرد (Martirosyan, 2020: 5). گزارشی رسمی درباره تغییر ناگهانی این تصمیم در دست نیست، اما شواهد ماجرا نشان‌دهنده تصمیم دوم در نتیجه فشار غیررسمی استالین بر دفتر مرکزی جهت اتخاذ چنین تصمیمی است (Martirosyan, Ibid: 131).

این تصمیم انعکاسی از نگرانی بلشویک‌ها بود؛ زیرا آنها می‌خواستند ترکیه را آرام کنند و می‌ترسیدند که ترکیه وضعش را در مرزهایش با ارمنستان بزرگ تثبیت کند و می‌کوشیدند که جمعیت مسلمان منطقه را که زیر سلطه روسیه شوروی بودند، آرام کنند. به نظر می‌رسید که آذربایجان با جمعیت زیاد و منابع نفتی بسیارش، بیشتر از ارمنستان از نقطه نظر انقلاب اکتبر کمونیستی اهمیت داشت (Martirosyan, Ibid: 5). گفته شده است که پس از این که پولیت

¹. Nariman Narimanov.

بورو ففقاژ جنوبی در جولای ۱۹۲۱م به پیوستن قره‌باغ به ارمنستان رأی داد. استالین برای رضایت ترکیه با این تصمیم مخالفت کرد. استالین معتقد بود که ما باید برای برقراری آشتی میان ارمنی‌ها و مسلمانان، و برقراری ارتباط اقتصادی قره‌باغ با آذربایجان، ترکیه را راضی کنیم (Martirosyan, Ibid: 7). در نتیجه این رویه را در برابر نخجوان هم پیش گرفت. در آگوست سال ۱۹۲۱م ارمنی‌ها موافقت کردند که بلشویک‌ها کنترل قره‌باغ را بدست گیرند. در مدت کنترل قره‌باغ به وسیله بلشویک‌ها، آنها به ارمنی‌ها قول دادند که قره‌باغ، نخجوان و زنگزور زیر سرپرستی ارمنی‌ها بماند؛ اما طرح‌های استالین برای پایه‌گذاری روابط خوب و دوستی با کمالیست‌های ترکیه این توافق را بی‌اعتبار کرد. به جای آن، استالین نخجوان و قره‌باغ را به جمهوری سوسیالیستی آذربایجان واگذار کرد (Beukian, 2015: 107).

مقاله‌ای به خامه آ. اسکاچکو^۱ در نشریه تحت رهبری استالین کمیسر امور ملیت‌ها در این باره نوشته است: باید به ارمنستان بدون شک اجازه داد که بوسیله اصول لنینیست بزرگترین فداکاری ملی را داشته باشد. ارمنستان باید نه تنها به خاطر ایجاد ارمنستان بزرگ، از حکومت داشناک‌ها دست بکشد که احتمالاً همچنین به آرزوی اتحاد سرزمین‌هایی که همیشه موردنظر ارمنی‌ها بوده است، برسد (Martirosyan, 2020: 5). بازی‌های سیاسی و معاملات سرزمینی میان کمونیست‌های مسکو و مصطفی کمال در شرق آناتولی تا باتومی جایی برای خواست ارمنی‌ها نگذاشت.

تغییر تصمیم دولت سوسیالیستی جمهوری آذربایجان آن‌هم در مدت کوتاهی دلایل مهمی داشت. نخست فشار ترکیه عثمانی، دوم فشار باکو، سوم نفت و سوسه‌برانگیز باکو و چهارم ترکیب جمعیتی نخجوان بود. تحریکات ترکیه در منطقه نخجوان ادامه داشت. آنها روزی نبود که هم در باکو و هم در نخجوان به وسیله نفوذ خود در میان مردمان محل اعمال نفوذ نکنند (Martirosyan, Ibid: 6). فراتر از همه برای ترکیه، نخجوان به مانند یک کریدور به سمت ترکستان و شرق در کاسپین اهمیت راهبری داشت.

قرارداد دوستی مسکو و نقش کمالیست‌ها در سرنوشت نخجوان

اهمیت رویکرد ترکیه نوین که پس از فروپاشی عثمانی شکل گرفت، درباره نخجوان از اهمیت زیادی برخوردار است. هیأت ترکیه پیوسته سرنوشت نخجوان را در مذاکرات میان ترکیه و روسیه شوروی پیگیری زیادی انجام می‌داد. سرانجام روسیه و ترکیه برای حل

¹. A. Skachko.

اختلافات خود سلسله مذاکراتی را در اوایل سال ۱۹۲۱م آغاز کردند. مذاکرات به کنفرانس روسیه-ترکیه در مسکو شهرت یافت که از ۲۷ فوریه آغاز گردید. این کنفرانس به مدت یک هفته در مسکو به دلیل اختلافات به تعویق افتاد. برای برون رفت از بن بست مذاکرات، یوسف کمال^۱ تصمیم گرفت تا به سراغ چهره‌های با نفوذ روس رفته و با استالین دیدار کند. مذاکرات در پی دیدار با استالین دوباره در ۶ مارس آغاز شد. در میان کنفرانس، گئورگی چچرین کمیسر روابط خارجی شوروی که می‌کوشید نخجوان را به ارمنستان واگذار نکند، فرمولی را پیشنهاد کرد تا نخجوان با آذربایجان مرتبط شود و زیر نظر آنها خودمختاری کسب کند. هیئت ترکیه فرمول دیگری را پیشنهاد کرد: «آذربایجان نباید این سرپرستی را به طرف سومی واگذار کند. مرز نخجوان باید بوسیله متخصصان نظامی تعیین شود» (Aliyeva, Ibid: 152).

هیئت روسی معتقد بود خطوط مرزی تعیین شده مطابق خواست آذربایجان است و تحت سرپرستی استان ایروان قرار نگرفته است و باید مرزهای شرور - دارالایز به وسیله اصول ترکیب قومی تعیین شود. هیئت روسی گفت که اگر قرار است که تغییراتی در مرزها میان آذربایجان و ارمنستان به وجود آید در این صورت مرز میان نخجوان و ارمنستان می‌تواند موقتی باشد و این تغییرات تخلف از توافق جاری نخواهد بود. سازوکار نهایی رفع اختلافات به سبب ترک خانه ساکنان بومی منطقه به دلیل جنگ میان این کشورها، بسیار سخت است. هیئت ترکیه این موضوع را کم‌اهمیت دانست و تنها تأکید کرد که او به امنیت مرزهای شرقی اش اهمیت می‌دهد و این مرزهای شرقی نباید محور مذاکره میان ارمنستان و آذربایجان باشد. بر پایه درخواست ترکیه، شرور- دارالایز می‌بایست در منطقه نخجوان باقی می‌ماند. مرز میان ترکیه و ارمنستان نیز از مسیر کوه گومورلو به سلسله کوه‌های سارای بولاغ تا ایستگاه آارات قرار داده شد (Aliyeva, Ibid:151).

قرارداد مسکو ۱۶ ماده و یک پیوست داشت (Aliyeva, Ibid:153). در ماده ۳ پیمان آمده است به استان نخجوان ساختار خودمختاری داده می‌شود (در ضمیمه قرارداد اشاره شده است) به گونه‌ای که باید تحت سرپرستی آذربایجان اداره شود. به شرط آنکه این اداره خودمختار به طرف سومی و یا کشور سومی واگذار نشود (Champain Klein and Mirimanova, 2004: 29). بدین ترتیب بخشی از خاک ارمنستان میان دو کشور ترک یعنی ترکیه در مرزهای شرقی و جمهوری آذربایجان در مرزهای غربی اش تقسیم شد (Hovhannisyan, 2004: 42). در نتیجه بلافاصله پس از پیمان دوستی روسیه، بلشویک‌ها

1. Yusuf Kemal Bey.

بنا به درخواست ترکیه برای جنگ در جبهه غرب، کمک‌های تسلیحاتی فراوانی فرستادند و همچنین ۵ میلیون روبل بسته کمک مالی همچنان که پیشتر قول داده بودند (۴ میلیون در برخی منابع) در اختیار ملی‌گرایان ترکیه قرار دادند (Ulchenko, 2015: 320). همچنین ۱۰۴ میلیون روبل نقدی به ترکیه داده شد تا از آلمان جنگ‌افزار تهیه کند (همان). در همین زمان الکساندروپل توسط نیروهای ترکیه تصرف شد، در حالی که هنوز داشناک‌ها بر ارمنستان حکومت می‌کردند، شایعاتی هم از سوی بریتانیا منتشر شده بود که گویا بلشویک‌ها آماده حمله به ترکیه می‌شوند. علی‌فواد سفیر ترکیه در مسکو نیز به رهبران ملیون ترکیه اطلاع داد که باور همگانی در بریتانیا آن است که گویی بزودی مناطقی در نزدیکی رود ارس، وان و موش^۱ به ارمنستان ضمیمه می‌شود (Ulchenko, Ibid: 322). به همین دلیل مصطفی کمال به کاظم کارابکیر پاشا فرمانده نیروهای جبهه شرق نوشت که نباید دوستی ما و روس‌ها به هم بخورد و باید معامله خوبی با بلشویک‌ها انجام داد (Ulchenko, Ibid: 323).

چچرین در ۸ آوریل ۱۹۲۱ در یادداشتی به علی‌فواد می‌نویسد: «اکنون همه مناطق ایروان و الکساندروپل زیر دست نیروهای ارمنستان شوروی است. زمان آن فرا رسیده است که نیروهای ترکیه به پشت مرزهای تعیین شده پیمان دوستی مسکو پس بنشینند» (Ulchenko, Ibid: 325).

ارتش سرخ در قفقاز جنوبی نگران حمله نیروهای ترکیه به جمهوری‌های سوسیالیستی بود و در نتیجه آخرین کوشش‌ها، ترکیه نیروهای خود را در ۲۳ آوریل ۱۹۲۱م از الکساندروپل خارج کرد و زمینه پیمان بعدی یعنی قارص آماده‌تر شد. از سوی دیگر ارمنی‌ها نیز در وضعیت سختی با پس‌نشستن نیروهای بریتانیایی از باتومی در جولای ۱۹۲۱م روبرو شدند و نبود قدرت در منطقه، محور بلشویک‌ها و ترکیه را نیرومندتر کرد.

ارمنستان چاره‌ای نداشت تا به ارتش سرخ اجازه دهد تا وارد نخجوان شود. ارمنی‌ها توان و جنگ‌افزار کافی نداشتند و چاره‌ای برای امضای پیمانی سرنوشت‌ساز و البته مأیوس‌کننده نبود. فرمانده لوک^۲ از نیروهای بریتانیا این اجازه را خیانت به بریتانیا دانست. او هانجانیان^۳ نخست‌وزیر وقت ارمنستان به آگاهی کاپیتان جورج گریسی^۴ در ایروان رساند که ارمنستان نیروی کافی برای دفاع از خود را در برابر محور نیروهای بلشویک-کمالیست برخوردار

۱. شهر موش (Mush) در شرق ترکیه که تا پیش از جنگ جهانی نخست شهری ارمنی‌نشین بود. پس از قتل‌عام ارمنه و حتی نبردهای پس‌از آن، ساکنان ارمنی آنجا را ترک کردند.

۲. Luke.

۳. Ohandjanian.

۴. George Gracey.

نیست. دولت وقت ارمنستان در ۶ اکتبر ۱۹۲۰ به جامعه ملل درخواست کمک داده بود (Stavridis, 2015: 59). با این حال به نظر می‌رسد جامعه ملل به دلیل موقعیت شکننده دولت ارمنستان چندان اعتنایی به شکایت آنها نکرد. چون اوضاع به نفع ارمنستان در سال‌های آینده تغییری نکرد.

وضعیت نخجوان در پیمان قارص

منطقه جنوبی قارص از نگاه جغرافیایی و تقسیمات دولت وقت عثمانی در نزدیکی نخجوان قرار داشت و همه تحرکات نظامی عثمانی‌ها در سده‌های گذشته برای ورود به قفقاز جنوبی از همین مسیر انجام می‌شد. گفته می‌شود که پیمان قارص محصول مشترک بلشویک‌های روسی و ملی‌گرایان ترک بوده است؛ بنابراین پیمان قارص آخرین نتیجه‌گیری برای حل بحران جاری بود و در ۱۳ اکتبر ۱۹۲۱، مرز مشترک ترکیه با سه جمهوری قفقاز جنوبی را ترسیم کرد. نماینده هیأت ترکیه ژنرال کاظم کارابکیر^۱ فرمانده جبهه شرق ترکیه و نماینده جمهوری سوسیالیستی آذربایجان هم بهبود شاه تختینسکی^۲ بود (Fleet, 2018: 144-145). نماینده دولت سوسیالیستی ارمنستان نیز اسکاناز مراویان^۳ و نماینده گرجستان نیز شالوا الیوا^۴ و نماینده روسیه شوروی هم یاکوف گانتسکی^۵ بود. هیئت بلشویک‌ها ۱۵۰ نفره شامل منشی‌ها و دعوت‌شدگان بود. کنفرانس در ۲۶ سپتامبر ۱۹۲۱ با سخنان کاظم کارابکیر آغاز شد. وی اعلام کرد: «ترکیه نگاهش را به شرق برگردانده بود، زیرا که با ستم نیروهای غربی در نبرد بود. این موضوع زمانی بود که روسیه شوروی در حال تجربه انقلاب بزرگ پرشوری بود» (Fleet, ibid: 146). گانتسکی از سوی روسیه شوروی اعلام کرد که ترک‌ها و ارمنی‌ها دشمنی و نفرت پراکنی را برای همیشه کنار نهادند. مراویان نماینده ارمنستان سوسیالیستی هم گفت: «ترکیه هرگز در خطوط مقدم جبهه‌هایش دشمنانی نداشت. ترکیه با احساسات دوستانه‌ای از سوی همسایگانش در نبرد و رویارویی با جهان‌خواران همراه بود» (Fleet, Ibid: 146).

در آن هنگام کمالیست‌ها با شعارها و گفتمان سیاسی خود از انقلاب کمونیستی روسیه پشتیبانی کرده و هوشمندانه می‌کوشیدند تا به کرملین نشان دهند که مصطفی کمال رهبر نظامیان جوان خواستار ادامه راه سوسیالیست‌های شوروی در شرق و آناتولی است.

1. General Kazım Karabekir (23 July 1882–26 January 1948).

2. Behboud Shahtahtinsky (1884–30 May 1924).

3. Askanaz Mravian (2 January 1886–23 November 1929).

4. Shalva Eliava (30 September 1883–3 December 1937).

5. Yakov Ganetsky (15 March 1879–26 November 1937).

در سخنرانی امضای پیمان، کاظم کارابکیر تأکید کرد: «این قدرت‌های جهانی امپریالیست غربی بودند که از دشمنی میان مردمان قفقاز سود می‌بردند» (Fleet, Ibid:147). گانتسکی نماینده روسیه شوروی نیز گفت: «پیمان قارص ستاره‌ای برای همه مردمان شرق است که راه آنها را در مسیر درستی هدایت می‌کند. این موجب می‌شود که آنها با یکدیگر هم‌پیمان و همدست شوند و امپریالیست‌های آزمند را از منطقه بیرون رانند» (Fleet, Ibid:148).

محتوای پیمان قارص بیشتر همان مفاد پیمان دوستی مسکو است که در ۱۶ مارس ۱۹۲۱م به امضای ترکیه و روسیه شوروی رسید. مرزهای کنونی کشورهای قفقاز جنوبی با امضای پیمان قارص باز رسم شد. با این توافق، دولت آنکارا و مرزهای آن به وسیله سه کشور قفقاز و همچنین روسیه شوروی به رسمیت شناخته شد. همچنین ترکیه رسماً از قرارداد الکساندرویل که با ارمنستان در ۲ دسامبر ۱۹۲۰م امضا کرده بود، چشم‌پوشی کرد (Fleet, Ibid: 150).

ماده ۵ پیمان قارص وضعیت نخجوان را به عنوان منطقه خودمختار با سرپرستی آذربایجان مشخص می‌کند. این پیمان به وسیله دولت‌های ترکیه، ارمنستان و آذربایجان به توافق رسید. موافقتنامه‌هایی میان ترکیه و ارمنستان با تأکید بر اعتبار داشتن پیمان قارص و تضمین امنیت نخجوان در برابر تهدید ارمنستان امضا شد (گلتکین، ۲۰۰۹: ۴). ارمنستان در آن زمان تحت اشغال نیروهای ارتش سرخ بود و نمایندگان جمهوری سوسیالیست ارمنستان در شرایطی نبودند که بتوانند تصمیم مستقل بگیرند. در نتیجه تصمیم‌گیرنده این موضوع مسکو و برخی مقامات سوسیالیست بودند که با قرارداد واگذاری همراهی کردند. در نتیجه ارمنستان نیروهای ملی‌گرای آن بازنده پیمان قارص و در نهایت جدایی همیشگی نخجوان از ارمنستان بودند.

نتیجه‌گیری

پیمان قارص در پایان جنگ جهانی اول، آخرین و مهم‌ترین پیمانی است که برای تعیین سرزمین‌های قفقاز جنوبی و شرق آناتولی در شمال مرز ارس ایران و یا پهنه مرزهای تاریخی ایران در قفقاز جنوبی، بدون حضور و مداخله و یا نقش‌آفرینی ایران به امضا رسید. البته ایران در آن دوران آنقدر درگیر مشکلات داخلی خود بود که فرصت نقش‌آفرینی در بازی‌های سیاسی بین‌المللی را نداشت. این پیمان در واقع آخرین تقسیمات جغرافیای پهنه قفقاز را رقم زد، به گونه‌ای که تاکنون به قوت خود باقی مانده است. در نتیجه واحدهای سیاسی تازه‌ای را

به رسمیت شناخت و مناطقی را هم میان عثمانی‌ها، روسیه شوروی، آذری‌ها، گرجستانی‌ها و ارمنستانی‌ها جابجا کرد. اگرچه این جابجایی از نگاه ارمنستان، ناعادلانه و فاجعه‌بار بوده است. بازنده حقیقی پیمان قارص ارمنستان و ملی‌گرایان این کشور بودند، زیرا که نخجوان برای همیشه از نفوذ و قلمرو ارمنستان خارج گشت. نخجوانی که بخشی از آن به تصریح منابع جغرافیایی کهن ایران نظیر حمدالله مستوفی همواره هویتی ارمنی در تاریخ داشت. تغییراتی که در این واحد سیاسی منزوی، با هویت جدید ترکی متکی به جمهوری آذربایجان و ترکیه، ایجاد شد، برای ایران نیز مهم بود؛ زیرا که نخجوان به حوزه سیاسی خودمختار تبدیل شد و به کشور نوپای جمهوری آذربایجان واگذار شد که چند ماهی پیش نیز در برابر بلشویک‌ها دوام نیاورد. به رسمیت شناختن نخجوان تاریخی که همواره بخشی ایران کهن و ارمنستان تاریخی بود با اهداف سیاسی و مرزبندی‌های استعماری شکل گرفت و موجب شد تا در آینده برای ایران و ارمنستان پیامدهای سنگینی به همراه داشته باشد. پیمان قارص تا هنگامی که سایه آهنگین شوروی بر سر این پهنه قرار داشت، توانست آتش تنش‌های نژادی و مداخلات همسایگان را خاموش کند؛ اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دوباره عرصه مناقشات قومی و اختلافات مرزی در قفقاز جنوبی شده است. البته ماجراجویی‌های کشورهای همسایه و کشورهای خارجی نیز برافروختن این آتش می‌افزاید.

فهرست منابع و مآخذ

- دستور دولت ایران به اقبال السلطنه ماکوئی مبنی بر ایجاد صلح بین مسلمانان و ارمنیان نخجوان، آرشیو ملی ایران، ش سند ۲۹۳۱۶۵.
- آراکلیانس، رافی. ۱۳۹۶. خانات ایروان در تقابل شیر و خورشید، هلال و ستاره و عقاب دوسر، فصلنامه فرهنگی پیمان شماره ۸۱، سال بیست و یکم، پاییز، ۲۵۴ صفحه.
- باغداساریان، ادیک. ۲۰۱۶. جمهوری آرات، تورنتو.
- جمشیدی راد، جعفر. ۱۳۷۷. جمهوری ارس در نخجوان، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفتم، دوره سوم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۷۷، ص ۱۳۹-۱۴۴.
- دولاندلن، شارل. ۱۳۶۴. تاریخ جهانی ترجمه احمد بهمنش، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲.
- رضا، عنایت‌الله. ۱۳۸۶. آذربایجان و اران، تهران، انتشارات هراز.
- هوسپیان، شاهن. ۱۳۸۷. نگاهی مختصر به تاریخ منطقه نخجوان، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۴۵، سال دوازدهم، پاییز، ۱۶۰ صفحه.

• منابع ارمنی

- Abrahamyan, Eduard. 2017. Armenia and Azerbaijan's Evolving Implicit Rivalry over Nakhchivan, Jamestown Foundation, 3 August, Eurasia Daily Monitor Volume: 14 Issue: 104.
- Beukian, Sevan Beurki. 2015. Constructing the post-Soviet Armenian National Habitus: The Armenian Genocide and Contested Imaginations of Armenian.
- Bournoutian, George. 2006. A Concise History of the Armenian People: From Ancient Times to the People, Fifth Edition, and Mazda Publisher.
- Chichekian, Garabet. 1967. Territorial Evolution of Armenia since 1639, University of Ottawa, A Study In Political Geography.
- Eprikyan, Armine Melsikovna. 2015. Diplomatic and military steps of Turkey to capture Nakhijevan, Austrian Journal of Humanities and Social Sciences № 1–2, January-February, Vienna.
- Gharibyan, Alik. The Social-Economic and Political situation in Transcaucasia (1918-1921), Armenological Researches Institute, YSU.
- Hakobyan, Grigor. 2020. The Coming Regional Conflict and the Strategic Importance of Nakhijevan, Armenian News Network / Groong Review & Outlook, May 26.
- Hovhannisyan, Nikolay. 2004. The Karabakh Problem The Thorny Road to Freedom and Independence, National Academy of Sciences of Armenia Institute of Oriental Studies, Second revised edition by “Armen and Bersabe Jerejian Foundation” Inc, USA Yerevan.
- Libaridian, Gerard J. 1988. Documents and Facts on the Region of Mountainous Karabagh 1918-1988, First Edition, Cambridge, Toronto, March.
- Martirosyan, Tigran. 2005. Nationalist Manifestations in Soviet Transcaucasia from 1940s to 1980s: A Brief Overview of US Archival Materials.
- Martirosyan, Tigran. 2020 .Brief History of the Nagorno – Karabakh Conflict, TK & Partners Client Note, September 30.
- Makhmourian G. G. 2016. Collection of Papers Relating to the Armenian District of Nakhijevan (1918-1920) From the U.S. Department of State and the National Archives of Armenia Fundamental Armenology, No. 2 (4) 2016.
- Papian, Ara. 2011. The Arbitral Award on Turkish-Armenian Boundary by Woodrow Wilson, Full Report of the Committee upon the Arbitration of the Boundary between Turkey and Armenia. Washington, November 22nd, 1920, “Asoghik” Publishing House, Armenia.
- Zohrabian, Edic. 2002. The Nakhijevan Issue and Allies of Armenia (1918-1920).

• منابع ترکی

- Akhmedov, Afgan. 2018. British Foreign Policy in Azerbaijan, 1918-1920, Department of History University of Lancaster.

- Aliyeva, Nurlana. 2020. Armenian claims to Nakhchivan and its impact to the historical geography of the region, Nakhchivan Branch of the Azerbaijan, National Academy of Sciences GRANI 23 (3).
 - Azimov Aliyar. 2017. Nakhchivan Autonomous Republic within Azerbaijan Republic, Nakhchivan.
 - Gültekin, Burcu. 2009. Unlocking Nakhichevan, the Gate of Orient, Lifting the Blockade on Nakhichevan in the Context of the Turkish-Armenian Rapprochement, Foreign Policy Analyst TEPAV Policy.
 - Hasanli, Jamil. 2011. How the Caucasian Bureau of the C.C R.C.P (B.), Discussed the Karabakh Issue in 1920-1923, The Caucasus and Globalization, Institute of Strategic Studies of The Caucasus, Vol.5, Issue 1-2, Sweden, CA&CC Press.
 - Imranli, Kamala. 2012. The First Armenian Republic and its Territorial Conflicts with Azerbaijan, University of Birmingham, Center for Russian and East European Studies, United Kingdom, September.
 - Satan, Ali. 2021. Armenian in the treaty of Sevres, Marmara University.
- منابع انگلیسی
- Aliprandi, Emanuele. 2016. The Story of Nakhijevan, Rome.
 - Balistreri, Alexander E. Batum. 2021. Conference and Treaties of, International Encyclopedia of the First World War, Version 1.0.
 - Champain, Phil. Klein, Diana. Mirimanova, Natalia. 2004. From War Economies to Peace Economies In The South Caucasus, Economy And Conflicts Research Group of the South Caucasus International Alert.
 - Fleet, Kate. Krämer, Gudrun. Matringe, Denis. Nawas, John. Rowson, Everett. 2018. The Encyclophedia of Islam, Vol. 3, Leiden – Boston.
 - Kalaintzis, Emmanouil. Tsourdiou, Magdalene. Kourmpetis, Stavros. Tramountana, Chrysa. 2015. The frozen conflicts in post-Soviet states and Caucasus: Ways for the enforcement of peace and security, Organization for Security and Cooperation in Europe (OSCE), Ministerial Council Topic Area A, Rhodes MRC, Study Guide for the Organization for the Security and Cooperation in Europe (OSCE).
 - Kopisto, Lauri. 2011. The British Intervention in South Russia 1918-1920, Faculty of Arts at the University of Helsinki, in Auditorium XII.
 - Maurice, Sir Feredrick. 1943. The Armistices of 1918, London, New York, Toronto: Oxford University Press.
 - Stavridis, Terry. 2015. The Armenian Question 1918-20 July, DOI: 10.13140/RG.2.1.4873.3282, See: <https://www.researchgate.net/publication/279556219> (Accessed December 11, 2021)
 - Ulchenko, Natalia Yu. 2015. A Glimpse of History: How the treaty of Kars was signed March Through October, 1921, Review of Armenian Studies, 203 No. 32.
- سایتها
- https://encyclopedia.11914-1918-online.net/article/batum_conference_treaties_of(accessed December 4, 2021)

THE HISTORICAL STUDY OF WAR

Scientific Journal, Scientific Research Article

Vol. 5, Issue 4, No.18, winter2022

The Impact of World War I on Nakhjavan Political Developments from the Treaty of Batum to the Treaty of Kars (1918-1921)

Abbas Panahi;^{*} *Majid Karimi*^{**}

Abstract

The important Treaty of Kars, signed between the governments of Turkey, the Soviet Union, Armenia, Azerbaijan, and Georgia on October 13, 1921, led to the transfer of Nakhjavan to the Republic of Azerbaijan. After the First World War, the Armenians first took political-military steps to annex Nakhjavan to the fledgling Republic of Armenia. However, all their efforts failed due to the presence of strong rivals such as the Soviet Union and Turkey. As a result, the Treaty of Kars not only created a new political unit in the Caucasus, but also from a geopolitical point of view, led to the formation of a new political geography in northwestern Iran. The present descriptive-analytical study, using a historical method based on library and archival documents, mainly aimed to show how the sequence of the events of the early years of World War I influenced the formation of the political unit of Nakhjavan. Therefore, this study concerns the possible impact of the First World War on the political developments in Nakhjavan, from the Batum treaty to the Kars treaty. Although Soviet and Turkish governments were politically and militarily weak due to the consequences of the First World War, the research findings show that the common interests of both fledgling countries paved the way for starting their influence in South Caucasus by handing over Nakhjavan to the Republic of Azerbaijan to keep their further control of the region.

Keywords: Iran, Armenia, Nakhjavan, Turkey, Republic of Azerbaijan, World War I, Treaty of Kars.

* Corresponding author: Associate Professor, Department of History, Institute for Guilan Studies, University of Guilan; E-mail: apanahi@guilan.ac.ir

** PhD Student in Iranian Studies, Yerevan State University; E-mail: karimmj@yahoo.com

[Received: 1 January 2022; Accepted: 10 April 2022] DOI:10.29252/HSOW.5.4.51|